

[حقیقت شرعیه و ثمره بحث از آن 1](#_Toc30615652)

[کلام مرحوم آخوند در حقیقت شرعیه 2](#_Toc30615653)

[وضع به استعمال 2](#_Toc30615654)

[مناقشه در وضع به استعمال: حصر استعمال در حقیقی و مجازی 3](#_Toc30615655)

[پاسخ مناقشه: کفایت استحسان طبع 3](#_Toc30615656)

[جدید نبودن وضع الفاظ عبادات 3](#_Toc30615657)

[مناقشه: احتمال وجود الفاظ دیگر برای این معانی در ادیان گذشته 4](#_Toc30615658)

[پاسخ: ملاک، استعمالات قرآنی بدون قرینه است 4](#_Toc30615659)

**موضوع**: کلام مرحوم آخوند /حقیقت شرعیه /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در حقیقت شرعیه بود. این بحث علاوه بر ثمراتی که مرحوم آخوند ذکر خواهند کرد؛ ثمرات مهمی از جمله در باب تعارض احوال دارد.

# حقیقت شرعیه و ثمره بحث از آن

الفاظ عبادات مانند صلاه و صوم و زکات و... هم اکنون به معانی شرعیه است و هیچ کس معانی لغویه مانند دعا و... از این الفاظ نمی فهمد، بنابر این الفاظ مذکوره، از معانی لغویه به معانی شرعیه نقل پیدا کرده و معانی لغویه مهجور شده است؛ اما مبدا نقل روشن نیست؛ مثلا معلوم نیست که آیا نقل در زمان رسول الله بوده یا زمان یکی از ائمه نقل صورت گرفته است.

همان گونه که گذشت، محقق عراقی در صورتی که زمان استعمال معلوم باشد؛ ولی زمان نقل معلوم نباشد، اصل عدم نقل را جاری نموده و حکم به استمرار معانی قدیم لغوی تا زمان استعمال نموده است و لذا پس از ضمیمه این اصل به وجدان استمعمال، الفاظ حمل بر معانی لغویه می شوند.

بنابر این طبق قول به حقیقت شرعیه و تحقق نقل در زمان شارع، الفاظ مستعمل شرعی، مُنزَّل بر معانی شرعیه است، ولی طبق قول به اجمال، طبق نظر محقق عراقی اصل عدم نقل جاری خواهد بود، و طبق مسلک مرحوم آخوند و تابعین ایشان، اصل عدم نقل در فرض شک در مبدا نقل، جاری نیست و لذا معنای لفظ مجمل خواهد شد. پس بحث از حقیقت شرعیه بحث مثمری خواهد بود.

## کلام مرحوم آخوند در حقیقت شرعیه[[1]](#footnote-1)

مرحوم آخوند می فرمایند قطعا هیچ گاه \_توسط نبی اکرم یا یکی از ائمه\_ وضع به تصریح به انشا نشده که مثلا لفظ صلاة را برای عبادت مخصوصه وضع کنند؛ زیرا \_همان گونه که در ذیل کلام مرحوم عراقی گفته شد\_ شارع بر طبق معانی عرفی و لغوی، استعمال می کند و اگر شارع اصطلاح دیگری داشته باشد باید بدان تصریح کند که و لذا نقل می شد و این نقل به دست ما می رسید.

اما لازمه این مطلب این نیست که حقیقت شرعیه اتفاق نیفتاده باشد؛ زیرا هر چند که وضع به تصریح بعید است اما وضع به استعمال ممکن است.

### وضع به استعمال

ممکن است وضع و حقیقت شدن، به استعمال باشد که این ادعا، بعید نیست به این بیان که شارع در استعمال الفاظ جدید، وضع کرده است و در استعمال، قرینه بر وضع قرار داده است مثلا در «صلوا کما رایتمونی اصلی»[[2]](#footnote-2) شارع استعمال در معنای جدید نموده و قرینه نیز اقامه کرده اما قرینه بر مجاز اقامه نشده \_به این صورت که معنای سابق را در نظر بگیرد و قرینه اقامه کند که از این کلام معنای دیگری مجازا اراده شده است؛ مثلا در «رایت اسدا یرمی» قرینه اقامه شده که بیان کند از اسد معنای حقیقی اراده نشده است\_ بلکه قرینه بر وضع اقامه می شود، یعنی قرینه بر این اقامه می شود که این استعمال، نیاز به قرینه بر مجاز ندارد و وضع شده است؛ یعنی قرینه بر معنا نیست بلکه استعمال در حد استمعال حقیقی است و برای دلالت به این مطلب، قرینه بر چگونگی استعمال اقامه می شود نه قرینه بر تشخیص معنا؛ پس قرینه اقامه می شود بر این که این استعمال، بدون قرینه دلالت بر معنای جدید دارد.

بنابر این بعد از استعمال، لفظ از معنای سابق به معنای شرعی نقل پیدا نموده و معنای لغوی و قبلی در استعمالات شرعی مهجور می شود؛ یعنی لفظ اصطلاحی شرعی را مشخص می کند؛ پس حقیقت شرعیه به معنای نقل شرعی است نه این که تنها وضع معنای جدیدی باشد تا این که مشترک بشود و برای تعیین معنا نیاز به قرینه باشد.

بنابر این در این استعمال، علاوه بر اینکه وضع جدیدی صورت گرفته؛ اعلام هجر معنای سابق می شود که منشا حمل لفظ بر معنای شرعیه است و این ادعا نه تنها مشکلی ندارد بلکه ادعای آن، به جا و قریب است.[[3]](#footnote-3)

نکته: اینکه استعمال کاشف از وضع سابق در خزانه نفس باشد، یا اینکه استمعال، عین وضع و قرار باشد، تاثیری در بحث ندارد؛ علاوه بر اینکه انشاء باید ابراز شود و بدون ابراز، انشاء و وضع صورت نمی گیرد.

#### مناقشه در وضع به استعمال: حصر استعمال در حقیقی و مجازی

اشکال شده است که استمال یا باید حقیقی باشد یا مجازی، در حالی که استعمال به داعی وضع، حقیقی نیست زیرا نیاز به قرینه \_ولو قرینه بر چگونگی استعمال\_ دارد و مجازی هم نیست؛ زیرا نیاز به قرینه مجاز ندارد.

##### پاسخ مناقشه: کفایت استحسان طبع

ایشان در پاسخ می فرمایند: لزومی ندارد که استعمال منحصر در حقیقی و مجازی باشد، بلکه مصحح استعمال استحسان طبع است و استحسان طبعی وجود دارد؛ یعنی طبع منعی در این استعمال ندیده و لذا \_همان گونه که در برخی مباحث متقدمه در بحث استعمال لفظ در نوع و جنس و... گفته شده\_ صحت استعمال، طابع وقوع و ترخیص واضع و ... نیست بلکه صحت استعمال منوط به حسن طبعی است که در این مورد وجود دارد.

### جدید نبودن وضع الفاظ عبادات

حقیقت شرعیه به صورت وضع به استعمال، بنابر این است که این استعمالات به معنای شرعیه، قبل از شرع وجود نداشته باشد، پس اگر این استعمالات قبل از اسلام هم وجود داشته باشد؛ بلکه اگر احتمال معنای شرعیه را در زمان قبل از اسلام بدهیم \_که بعید نیست\_ دیگر بحث از حقیقت شرعیه و ثمرات آن جاری نیست؛ زیرا این بحث در صورتی است که معانی این الفاظ ابداع شارع باشد.

مؤید این که معانی این الفاظ درقدیم نیز وجود داشته است استعمالات قرآنی است مثل «اوصانی بالصلاه و الزکاه» در مورد حضرت یحیی و یا «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم» و «اذن فی الناس بالحج» در خطاب به حضرت ابراهیم؛ چرا که از این استعمالات استفاده می شود که این الفاظ در قدیم هم وجود داشته است.

#### مناقشه: احتمال وجود الفاظ دیگر برای این معانی در ادیان گذشته

برخی اشکال کرده اند که این استعمالات دلالت بر این دارد که این حقائق در زمان قبل وجود داشته است، نه اینکه الفاظ صلاة و ... نیز در زمان های گذشته بر این حقائق دلالت داشته است؛ بلکه به احتمال زیاد الفاظ زبان های عبری و ... دلالت بر این حقائق داشته اند.

##### پاسخ: ملاک، استعمالات قرآنی بدون قرینه است

استعمالات قرآنی بر طبق مفاهیم عربی در زمان اول اسلام بوده است و خطاب به الفاظی بوده که برای مخاطبین معلوم بوده است و لذا این الفاظ برای مخاطبین وضع برای این معانی قبل از استعمال قرآنی داشته است.

اما این ادعا که الفاظ شرعی عربی در امت های گذشته نیز به همین الفاظ بوده قطعا مراد مرحوم آخوند نبوده است؛ زیرا روشن است که ادیان گذشته با زبان های متفاوت همگی الفاظ متفاوتی بر این معانی داشته اند بلکه مبدأ زبان عربی در زمان حضرت اسماعیلعلیه السلام بوده است و قبل از ایشان زبان عربی وجود نداشته است؛ اما در میان عرب هایی که با ادیان سابق بر اسلام، در ارتباط بوده بلکه گاهی متدین به ادیان دیگر بوده اند؛ برای این معانی شرعیه، الفاظی عربی وجود داشته که برای همه مفهوم بوده است نه اینکه اعراب در الفاظ شرعی، به زبان های عبری و... تکلم می کرده اند و لذا قرآن نیز به همین نکته، در خطاباتش، از این الفاظ استفاده نموده است و استعمالات قرآنی با توجه به مفهوم بودن این معانی در عرف بوده است نه این که برای این معانی وضع شرعی مجزایی داشته و یا اینکه مجاز و استعاره باشد؛ زیرا \_ با وجود الفاظ دال بر این معانی در میان اعراب\_ داعی بر اینکه لفظ جدید عربی ابداع شود وجود ندارد و لغت جدید داشتن برای شارع موضوعیت ندارد.

بنابر این با احتمال این که این الفاظ از ابداعات شرعی نبوده و از اولین استعمال، در معانی مذکور استعمال می شده است؛ دیگر نمی توان ادعای حقیقت شرعیه نمود.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص21.](http://lib.eshia.ir/27004/1/21/کونها) [↑](#footnote-ref-1)
2. نهج الحق و کشف الصدق ص 423 [↑](#footnote-ref-2)
3. استاد: ظاهرا وضع به استمعال، از ابداعات مرحوم آخوند است. [↑](#footnote-ref-3)